

الإبراهيم

ده افغانان کابل

سر دیر

سید محمد قاسم

همه امورات تحریریه بنام

اداره فرستاده شود

اداره در انتشار و اصلاح مقالات

وارده مختار است

در هر هفته یکبار نشر میشود

اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود

درین جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی
و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود

امثال معانی

۷ ۳ ۱۳ ۴

از اینجای وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش

جریده برایش فرستاده میشود

نهار یک شماره یک عباسی

قیمت سالانه

از وزراء و اعیان دولت بقدر

معارف دوستی شان

برای کتاب و کتب خانهای ملی

و معارفین و وقایع نگاران (تحریری)

رایگان

از عموم خریداران در داخله

(۱۲) روپیه کابل در خارجه

بیم بوند انگلیسی با محصول پوسته

از طلاب و محصلین نصف قیمت

ششماه

داخله خارجه

(۸) روپیه (۷) شلنگ

تاریخ شمسی ۱۳۱۱ - سرطان ۱۳۰۲ شمسی مطابق ۸ ذیحده ۱۳۴۱ قمری تاریخ انگریزی ۲۳ جولائی ۱۹۲۳ عیسوی

بسم الله الرحمن الرحيم

(ناطق مصطفی کمال پاشا در قونیه)

نظای خارج اسلام - علماء و اسلام

(۲)

لام توضیح نیست که حضرت رسول اکرم (ص) مأمور شد از جانب خدا که رسالت خویش و احکام دین اسلام را میان اقوام و طوائف مختلفه که در نقطه متعدده سکنی داشتند تبلیغ نمایند. و قتیکه اسلام شیوع یافت فایهائی عرب آنجا که شمیرهای خود را برای اعلاء کلمه حق از نیام کشیده بودند ابتدای انتشار دین زمین در آسیای صغری بهمین شهر مشهور داخل شده که دین اسلام را میان اقوام آن که قرون متوالیه باک عادات مخصوص زندگی میکردند نشر دهند و از اینجا اسلامیت را میان اقوام ترک، مصری، فارسی و بیزانطینی ها انتشار داده و آنها را در عرض مدت قلیلی داخل حوزه اسلام نمودند در صورتیکه علماء و فنا و ماده ثابت شده که تمام شعب انسان در قبول اصول جدیدی و ترجیح آن بر عقاید قدیم خویش که بان عادت نموده باسانی حاضر نمیشوند زیرا خودشان را به آن عقاید مربوط و متعلق میدانند خلاصه عادات اجنبی تقلید از گذشتهگان و اعتقادات قومی که قرنها بان الس گرفته است در انسان اثر مخصوصی دارد و نیز در میان شعب انسانی بعضیها هستند که میادی عهد قدیم را با اصول عهد جدید همزوج میکنند و

این قاعده طبیعی میان ملی که داخل دین اسلام شدند ظاهر گردید یعنی آنها پس از قبول اسلامیت از عادات اولیه خود که از آباء و اجداد شان باث رسیده بود دست نمکشیده و بنابرین خیل از تعالیم اسلامی را قبول نمودند. اگر چندجه آثار این عادات و اخلاق قدیمه در بعضی از اقوام مذکور بعد از تشرف باسلامیت ظاهر نیست بواسطه اینست که آن اخلاق و عادات همزوج با احکام اسلامی گردیده است و همین قضیه یعنی سستی در عقاید و نمک از دین بدین دیگر موجب است. و بدین بعضی از ملل داخلی اسلام بواسطه تحریف آنها از عقاید اسلامی دوچار انحطاط و ندنی و برای اینکه از عقاید دینی و باسوس مذہب اسلام دور افتادند بالاخره در دست دشمنان اسیر و دستگیر گردیدند یکی از آن ملل اسلامی که از اخلاق قدیمه خود دست نمکشیده اند ملت ما ملت ترک میباشد چیزیکه هست عقاید قدیمه ما نسبتا چندان خراب و ناقص نیست و همیقدر میتوانم بگویم که اغلب عادات ما باشریعت اسلامی مطابق داشته یا او نزدیک است. بواسطه موفقیت جغرافیائی که ما داریم از یکطرف باعربها و از طرفی بافارسیها و از جانب دیگر با بیزانطینی ها متصل بوده و باعث مخالطه و آمیزش ما با این ملل گردیده است و شکی نیست که در آمیزاج و آمیزش اثرات مخصوصی هست. ملت ترک نمیتوانست از اقتباس بعضی عادات عقبه و تقالید ضاره ملل همجوار خود که با او مخالطت داشته و این عادات آنها را بطرف انحطاط سوق میداد خودداری کند که این مسئله یکی از عوامل مهمه انحطاط ما محسوب می شود

بمقامی منظم به اشاره به منازعاتی که مابین شرق و غرب شروع شده بود و گفت که: سبب اصلی این منازعات تعصب دینی است و ملت شرق بالاخره ناچار مسلح گردیدن و دخول به میدان جنگ گردید، بعد کلام خود را متوجه بوضعیات عالم اسلام نموده و گفت:

امروزه عالم اسلامی از دو طبقه مختلفه تشکیل گردیده طبقه اول که اکثریت هم با آنهاست عبارت از عوام و طبقه دوم را که در اقلیت هستند منورین تشکیل میدهند رفصلاً اختلاف وضعت نامی مابین این دو طبقه حکم فرما بوده طبقه دوم کوشش میکند که اولی را با آموک و آرزوی خود همراه کند در صورتیکه عوام یعنی اکثریت حاضر نیستند از موقعیت تاریک خود قدم برار بگذرانند. حالاً طبقه منوره را فرض است که وسایلی برای ارشاد طبقه عوام اتخاذ کرده و تعلیم و تهذیب آنها شروع نماید و در اینجا محکم استبداد ابتدا می کشد.

آنان رسیدیم در یک نقطه مهمه که لازم است در اینجا توقف نمود و توضیح داد. مسلم است که ما برای سوق طبقات ملت یک خط دینی که منتهای آمل آنهاست به واسطه ارشاد منورین و بواسطه اجرای استبداد قادر نیستیم. اگر بخواهیم در این مسئله موفقیت حاصل کنیم لازم است یک تطابق عقیده مابین عوام و طبقه منوره پیدا نموده و تولید وحدت آرزو نماییم و اعلام و رزق که منورین برای عامه پیش بینی میکنند یعنی از اعماق روح ملت و وجدان آن منتزع شود. ولی آیا طبقه منوره ما میتواند در انحصار از روح ملت استبداد کنند؟ ادا نمیکند عده زیادی از منور الفکرها هستند که دارای افکار عالیه میباشند.

خلاصه اش اینست که ما باید مدینت خود را مطابق با وضعیت مملکت و تاریخ خود، احتیاجات و طادات خویش بنماییم و باین ترتیب هم بهتر میفرماییم خود مانرا بملل مترقیه بشناسیم که چه منورین ما عقیده شان ایست که برای سعادت مملکت و ملت لازم است پوری از سایر ملل متصدنه نماییم ولی ممکن است آن چیزیکه موجب سعادت یک ملتی شده است برای ملت دیگر باعث بختی گردد. پس از بحث طولانی در این موضوع جوانان را ناچار عرضی زرقی یک نسق دعوت نموده و تجاربی را که در عرض چهار سال گذشته از اتحاد و اتفاق بدست آمده است خاطر نشان آنها نمود.

بعد از طایفه نطق ایشان یکی از حضار سؤال کتبی از معظم له نمود که مضمون آن بود: (میان مافرقه حسد با هم قیام چه دین دینی در غلاب ملی ما تولید محالست مینمایند آیا حکومت

چه نوع تدابیری در مقابل این دسته اتخاذ نموده است؟ غازی معظم الیه دوباره بلند شده و چنین گفت: -

لازم است قبل از اینکه جواب آقای سؤال کنند ما باید سؤال ایشان را تفهیم نمایم زیرا بطور ایما و اشاره سؤال مینماید در صورتیکه این سؤال احتیاج هیچ قسمه اهم را ندارد زیرا اظهارات ایشان عین صواب بوده یعنی ملت ایقده اجرای هر چیزی را داشته منتهای میان ما اشخاصی هستند که نمیتوانند حقایق را درک کنند بنابراین بین مردم افکار ناسد و مضرة را انتشار میدهد آیا چه تدابیری در مقابل اینها باید اتخاذ نمود؟ گمان میکنم هر کدام از افراد ملت از نظر علمی و تاجر و عالم و غیره از صنوف مختلفه موافق نظریات خود می توانند جواب از ا بدهند.

حالا قبل از اینکه داخل در اصل موضوع شوم ناچار از بیان یک حقیقت دینی که یک حقیقت ساده و بسطی است لازم است ما تماماً بدانیم که دین مقدس اسلام هیچ فرقه را بجمع دیگری تفوق نداده است. دینی که رهبانیت را قبول نمیکند احتشکارا هم نمیبیندیده است هرگاه ما تصور نماییم که ارشاد فقط از خواص علما بوده و این طایفه مأمور باز میباشند و دیگران حق هدایت ندارند راه خطا پیموده و گمراه شده ایم زیرا ایداً در این موضوع شرطی نشده اشخاصیکه مقصدی تعلیم مردم بحقایق دینی میشوند بایستی حتماً رده علمی بیوشند.

دین بلند و بزرگ ما که رومی اصل (طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة) قرار گرفته مثل این است که هر کدام از مسلمانان اهم از زن و مرد با مأمور ارشاد و تعلیم مذهبی گردیده اند. آقایان محترم فرض از این بیانات ایست همان طوریکه بیان ملت اسلام علمای حقیقی بوده و ما بوجود آنها مقهوریم در نقطه مقابل آنها نیز عده هستند بکلی از حقیقت دور افتاده در حالتیکه لباس دینی پوشیده اند ایداً بوظیف خویش عمل نمیکند پس لازم است مابین این دو فرقه فرق گذاشته و حق را از باطل کاملاً تشخیص دهیم مختصر اینکه هم دارای علمای علمای هستیم که روح اسلام واقف بوده و بواسطه فهمیدن حقیقت بمرتبه تک رسیده اند و هم علماء خائن بی وجدانی میانمان هست که ایداً راه حق را شناخته اند.

آقایان محترم!

از عصر خلافت اموی میان علماء حقه علمای سوء وجود دارند در زمان صدر اسلام و عهد نبوی (ص) و در دوره خلفاء راشدین اشخاصیکه احتیاج بوعظ و تعلیم آنها دانسته دارای امکات فاضله اخلاق طالبه استقامت رای بودند و دکن خلافت مابین حضرت علی بن ابیطالب و معاویه (رض) تولید شده و قشون

معاویه (رضی) در جنگ سفین قرآن مبین را بالای نرزه زدند و بطوریکه مسوقید قضیه حکمین را پیش آورده و معاویه باین وسیله و تدبیر به مقام خلافت رسید و از اینجا یک تفرقه و تشبث به جبل میان مسلمانان احداث شد چنانچه بعد از آن سلاطین مستبد دین را آتایل بطامع و اغراض شخصی قرار دادند و علماء ضعیف النفس را برای مقاصد خویش واسطه استخدام نمودند در صورتی که علماء حقیقی در هیچ موقع وزمانی نه اطاعت از سلاطین مستبد نموده و نه اوامرها را اعتنائی کرده اند چنانکه بعضی از علماء حقه بواسطه همین مقاومت در مقابل استبداد آنان سرشان زیر تیغ جلاد رفته بعضی دیگر از مسقط الراسشان تبعید گردیده بلسالهای سال در زوایای تاریک محبس از روشنائی محروم مانده و باینکه آنها را بدار آویخته اند معدک این قبیل از علماء آلت اغراض این چنین سلاطین نشده اند اینک ما بیستم دسته های را که ایداً از علم بهره ندارند اما لباس دینی دربر کرده اند که در جزو علماء محسوب شوند همینها حاضرند برای استرضای خاطر سلاطین مستبد اصول دین را هم اگر لازم باشد تحریف نمایند.

بعد از بیانات فوق از جریانات زمان سلطان سابق وحید الدین وقتوای شیخ الاسلام وقت که رعایه و طنبیون صادر کرده بود که خون آنها را هدر میکرد مثالی آورده و گفت: این قبیل علماء بطور دائم در مقابل ملت موقعیت خود را از دست داده و ملت هم نمیبخواهد بعد از این نظیر این طور سلاطین و چنین علماء ضالها را مشاهده نماید زیرا که اقوال آنها بواسطه اینکه حقیقت دین را نفهمیده اند هیچ گونه اهمیتی را پیش ملت ندارد.

تجوید خلیلین

راجع به نظامنامه نفوس

از وزارت جلیله داخلیه بامضای (ع. ج) آقای محمد سرور خان وکیل وزارت موسوفه رسماً اطلاع ذیل رسیده که برای استحضار عموم درج روز نامه شود:

نسبت به دو فقره آیه که در نظامنامه نفوس تشریح نشده بود روز نوبت کار وزارت جلیله داخلیه در ضمن کارهای دائره عمومی نفوس بحضور اعلیحضرت غازی بقرار ذیل عرض شد اول: - کار بکران ماشینخانه که قرار پشت (قرعه) داخل کار شده اند، عرض می کنند که (دو ساله خدمت

مقرر را اکل نموده ام باید اکنون از قید ملازمت رهانوم) چون که اشخاص مذکور کارگر ماشینخانه میباشند تعسکری معافی و غیر معافی شان توضیح شود. این هم هست که اگر اشخاص کارگر معافی و عوض آنها اشخاص نابله ادغال شوند خالی از ورود نقص بکار نیست.

دوم: - اشخاصیکه قبل از امضا و اثر نظامنامه نفوس موعده خدمت مقرر را اکل نموده و بعضی حالا و بعضی سابقاً خلاص شده اند هرگاه اسم شان حسب ترتیب جدید قرعه ظاهر شود، جلب شوند یا نه؟ اشخاصی که در سابق عوض میمادی و عمری داده اند و عوض آنها خدمت مقرر را اکل نموده باشد یا هنوز داخل کار باشد اگر بقرینات حالیه اشخاص اول که عوض داده اند برای خدمت انتخاب شوند آیا معافی میشوند یا نه؟ حکم حضور اینک: -

در باره اشخاصیکه قبل از صدور نظامنامه نفوس، در سلك عسکری و پلایشین خانه، خود شان یا عوض شان ملازمت کرده اند بقرار ذیل تمهیل شود: -

الف: - کسانی که در زمان سلطنت من در سلك عسکری موعده خدمت عسکری خود شان یا عوض شان تمام شده باشد و معافی هستند.

ب: - کسانی که در زمان اعلیحضرت شهید شخصاً یا عوضاً داخل عسکر شده و در همان زمان خارج شده اند و حال در قرعه عسکری نامشان ظاهر شود معافی نمی شوند.

ج: - عوضهای عمری که داخل ماشینخانه شده اند و حال نامشان در قرعه عسکری ظاهر شود معافی هستند.

د: - عوضهای موقتی که از ملازمت عسکری و ماشینخانه خلاص شده اند و حال اسم شان ظاهر شود معافی نمی شوند و ایام خدمت خود را باید تکمیل نمایند.

اشخاصیکه در ماده دوه (ج) حکم شده که معافی نمی شوند حاضر اگر نام آنها هم در قرعه عسکری ظاهر شود معافی گردیده گرفته نشود و اگر عده عسکرا اشخاصیکه گرفته می شوند پوره نکرد آنوقت بحضور مبارک عرض و هدایت حاصل دارند. (۲۰ سرطان سنه ۱۳۰۲)

امضا - محمد سرور

(ساعقه مدهشه)

حسب اطلاع حکومت اعلای سمت جنوب، یک ساعقه مدهشه در حدود کوه مردم (طوری خیل تنی) نازل گردیده و در آران (۳۸) کوفسند و یک کاه هلاک شده اما از تفضلات الهی به انسانها صدمه و ضرری از آن نرسیده است.

(منع نسوار سازی)

از حضور شاهانه اعلان شده که از اول برج اسد ساختن نسوار دهن که استعمال آن مولد انواع امراض و اضرار است ممنوع بوده احدی به ساختن آن در کابل و نواحی آن اقدام نکند - و اگر کسی باین مخالفت به ساختن نسوار دهان اقدام نمود از (۵۰۰) روپیه تا (۱۰۰۰) روپیه جرم از او گرفته میشود .

(دستگیری بعضی اشراک)

در این روزها کونوالی مسرتزی کابل عدده از اشراک و دزدان را جاسس کرده است و بجله نایک حد دزدی در نفس شهر کم شده است ولی باید که باطراف هم در این باره اقدامات مجدانه بعمل آید که مردم از عدم امنیت بسیار مشتکی می باشند .

(دستگیری قمار بازها)

به تاریخ (۲۵) سرطان دیده شد که یک عدده اشخاص را پولیس ها دست و شانه بسته می برند بعد تحقیق معلوم شد که بر سر قمار گرفته شده اند . اشخاص هم ظاهراً از جمله طبلکها و اوزال عوام نبودند اما در باطن ذلیل ترین مردم بودند که باین چنین اعمال که موجب خسارت اموال و در نتیجه مسبب دزدی و قتل و عدم امنیت است اقدام می کنند .

(تقبیش وزارت مالیات)

برای تقبیش وزارت مالیات که آیا جریان امور بروفق نظامات و قوانین شده بانه یک هیئت از حضور شاهانه مقرر گردیده است که رئیس هیئت جناب غلام حیدر خان صاحب نوا مشر سابق خزانه جات است

جشن عمومی استقلال

تاریخ جشن عمومی استقلال (۱۱) اسد تعیین شده است امسال هم مثل سالهای سابق و نمایندگات در بمقان بعمل می آید .

(صحنه نمایش صنوعات وطنی)

امسال هم در ایام جشن و کروز برای نمایش صنوعات وطنی و تالیفات و ایجادات و مخترعات و حسن تربیه حیوانات مقرر و برای جمیع انبیا در جات و طبقات و جایزه ها و اعطایات سه درجه بیشتر از سال گذشته تعیین گشته و هر کس قابلیت و استعدادی در امور صنایع و غیره دارد آنچه میتواند برای نمایش حاضر و مهیا کند .

تجارت خواجه

زرق اسلام

اعلیحضرت نظام حیدر آباد دکن نسبت به جشن سال گره خود شان و جشن نوروز که تا اینوقت در مملکت شان همساله معمول بود اعلان کرده اند که ازین به بعد معمول نشود چونکه این هر دو روز از ایام مخصوصه اسلامی نیست . این گونه توجهات عالیات زمامداران مسلمان با اجرای او امر اسلامی مؤذنه زرق حقیق و احیای مدینت فاضله اسلامی را به روح نوازی اسلام خواهان می فرستد .

یوسف کم کشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

حرکت سفیر دولت بیه فرانسه به افغانستان

به تاریخ ۱۳ جولانی مطابق ۲۵ سرطان مالیه در جلالتاب موسیو فوشه سفیر دولت بیه فرانسه مامور در بار افغانستان از بندر ماسلز به کشتی بخار سوار شده سوی کابل در حرکت آمدند . و تاریخ امضای مصلحه (۵) اسد تعیین شده

لوزان

خبرهای تازه نسبت به مجلس لوزان رسیده است که آیاماهده امضاشد بانه محض تکرار خبرهای سابقه است که صلح می شود و متفقین کشیدن عساکر خود را از قسطنطنیه و ایتانها تصویب نموده اند

هندوستان

درین روزها از جراند هندی چنان معلوم می شود که آتش اختلاف مسلمانها و هندوها در شرف خاموش شدن است و باز آثار اتفاق از مسامحه و محبوبات لیدر های طرفین بنظر می آید و داعیه مدعشیکه بوقت عید قربان از کشتن کاو انتظار میرفت امید است که ازین جهت هم خطری ناگوار ظهور نکند .

لانجه شرکت تجارت پوست و پشم

وسنک لاجورد و قالین :

مقدمه

(مقصد اسم شرکت و مساکر شرکت) -

۱ - در افغانستان بنا بر مساعده دولت غلبه افغانستان یک شرکت پوست و قالین و پشم و سنک لاجورد تشکیل کرده میشود نام این شرکت (شرکت تجار به امانیه) است .

۲ - مقصد شرکت باصول منتظم و درست پوست و قالین و پشم و سنک لاجورد و وطن افغانستان را خریداری کردن بطور تجارت به اروپا و سایر ممالک خارجه فرستادن و در مقابل قیمت آن اجناس کار آمد افغانستان را خریداری کردن و بطور مشروع اجرای تجارت نمودن است

۳ - مساکر شرکت در افغانستان شهر کابل است بنا بر لزوم و احتیاج در شهر های خارجه نماینده کان شرکت و یا شعبه های آن موجود میباشند و یا نماینده کان تجارتی افغانستان خرید و فروش اموال تجارتی این شرکت را اجر میدارند

فصل اول

(سرمایه شرکت و صورت تشکیل آن)

۴ - سرمایه ابتدائی شرکت (۱۵۰۰۰۰۰) روپیه معین و بر حصه ها منقسم شده است که قیمت یک حصه یک هزار روپیه کابل می باشد . هر شخص نیمی افغانستان که آرزوی مشارکت را کند وجه نقد نایب کرده از سندات حصه مذکوره خریداری کرده میتواند سرمایه شرکت را که ازین حصه ها مرکب میباشد بنا بر لزوم و توسع کار شرکت بموجب قرارداد مجلس عمومی حصه و ازان را یکدفعه یا بدفعات متعدد ایزاد کردن جائز و ممکن است و در زمان تربید سرمایه شرکت که نادر چند سرمایه قرارداد شود به وزارت تجارت اطلاع دادن آن ضروری است نمونه سندات این شرکت باین لانجه مربوط است و سه قطعه آن بوزارت تجارت سپرده و در انجا محافظه کرده میشود

۵ - در زمانیکه تمامی سرمایه ابتدائی شرکت از طرف کسانیکه آرزوی خریداری دارند تمهید کرده و تمامی مبلغ تجزیه شرکت تودیع شود شرکت مذکور انتظام می یابد .

۶ - در حین نایب قیمت سندات حصه رای هر شخص مطابق وجه اشتراک شان داده میشود و این اشخاص از اعضای شرکت مذکور شمرده میشوند . و از فوائد و منافع شرکت استفاده کرده میتوانند

سندات مذکوره از طرف رئیس و معاون و سرکاتب مجلس اداره امضا کرده و با صاحب آن داده میشود .

۷ - سندات حصه بنام اصحاب شان نوشته است و در سند حصه اسم و ولد و سکونت هر کدام علی الترتیب بالعدد نوسمه مسائل سندات نوشته و ثبت و قید اداره شرکت گردیده برای اصحاب آن داده میشود

۸ - یک قسم سندات حصه را زای تسهیل کار و معاونت از طرف حکومت خریداری نیز جائز و ممکن است در این

فصل دوم

(اداره و امور داخله شرکت و اصول تقبیش آن)

۹ - امور و معاملات شرکت از طرف مجلس اداره شرکت ایفا کرده میشود - مجلس اداره از سه نفر کم و از پنج نفر اضافه نمیشود و موعده ماموریت نفری اداره سه سال است بعد از انقضای مدت ماموریت آنها عوض شان نفری جدید تعیین کرده میشود و با تکرار انتخاب همان نفری جائز و ممکن است -

۱۰ - اعضای مجلس اداره شرکت از طرف هیئت عمومی مجلس شرکت انتخاب کرده میشود هیئت عمومی مجلس شرکت از نفری که سندات حصه شرکت را خریداری و باین شرکت اشتراک کرده باشند مرکب است -

۱۱ - اعضای مجلس اداره شرکت از اشخاصیکه برای اداره شرکت اختصاص و اهلیت و اعتماد مجلس عمومی را داشته باشند از سه نفر الی پنج نفر تعیین کرده میشوند . از جمله اعضای مذکوره بنا بر انتخاب اعضای مجلس عمومی یک نفر رئیس و دو نفر معاون و یک نفر سرکاتب معین میشوند مجلس اداره شرکت کابل بطور دائمی اجتمع و در زبده و وظائف اداره شرکت را ایفا می کند .

۱۲ - صورت انتخاب اعضای مجلس اداره مطابق ذیل است بعد از تکمیل سرمایه شرکت همه حصه داران برای تعیین نفری مجلس اداره در کابل اجتمع می کنند و نفری مجلس مذکور را انتخاب می نمایند همچنین ازین نفری اعضای شرکت باز خارج دو نفر منتخبین نیز انتخاب و تعیین کرده میشوند -

۱۳ - اگر یکی از اعضای مجلس اداره فوت و یا استعفا کند از طرف باقی نفری آن بموض این اعضا بطور موقتی دیگر اعضا تعیین کرده میشود و ماموریت آن تا زمان اجتمع عمومی حصه داران سرمی و معتبر شناخته میشود در زمان اجتمع عمومی حصه داران ماموریت این چنین اعضا بالصدق یا عوض دیگر اعضا انتخاب و تعیین میشود -

۱۴ - مجلس اداره علاوه بر اداره معاملات شرکت . مرسال یک حساب شرکت را تنظیم کرده به مجلس عمومی یعنی بحضور عموم حصه داران و یاو کلای شان مرض و اظهار

فصل سوم

(مجلس عمومی هیئت شرکت)

(یعنی عموم حصه داران)

۲۳ - عموم حصه داران شرکت علاوه بر اجناسیکه در ماده () نشان داده شده است هر سال یکدفعه در کابل اجتمع کرده از امور و معاملات شرکت واز کنجایش آن باخبر کرده میشوند -

۲۴ - در هیئت عمومی اول راپورت عمومی معاملات شرکت از طرف مجلس اداره تقدیم کرده میشود خوانده و پس از آن راپورت را مفتشین ملاحظه میدارند هیئت عمومی بعد از ملاحظه راپورت مذکور حسابات و اجراآت شرکت را قبول ویا مجلس اداره را تبدیل کرده میتوانند -

۲۵ - مقدار حصه تمتع که برای حصه داران داده میشود بنا بر تکلیف مجلس اداره از طرف هیئت عمومی تقسیم میشود - علاوه بر آن هم نفری حصه داران در باب ترقی شرکت افکار و ارای خود را در زمان اجتمع عمومی لساناً و یا بخرابرا پیش نهاد نموده میتوانند پیش نهاد های مذکور اعضای شرکت درین مجلس بنظر دقت وغور گرفته آنچه خیر و بهبود شرکت ملاحظه شود اتخاذ و بموجب آن تعمیم کرده میشود -

۲۶ - مذاکرات مجلس عمومی از طرف کاتب بیک کتاب قید کرده از طرف رئیس هیئت عمومی و اعضای موجوده دستخط کرده میشود قراردادیکه از طرف هیئت عمومی مجلس داده میشود برای اعضای شرکت مرعی معتبر است -

فصل چهارم

(حسابات سنویه شرکت)

۲۷ - سنه مالیة شرکت از ابتدای نوروز آغاز کرده تا بروز سنه آتیہ اختتام می پذیرد امسال سنه مالیة شرکت از زمان تشکیل آن تا به نوروز سال آینده معتبر است -

۲۸ - مجلس اداره هر سال چهل روز پیش از اجتمع عمومی حصه داران دفتر مکتوبات و دیوانات شرکت و دفتر موازنه شرکت را به مفتشین شرکت تودیع می نماید مفتشین مذکور از دفتر موجوده راپورت تفیش خود را تنظیم کرده بمجلس عمومی حصه داران عرض می نماید هر حصه دار قبل از اجتمع مجلس عمومی اداره شرکت مزاحمت نموده صحت حسابات مذکوره را تدقیق کرده میتواند -

می نماید رئیس مجلس اداره بنا بر صواب دید دیگر اعضا در محاکم افغانستان و در محاکم سائرہ بخصوصات معاملات شرکت افاضه دعوی کرده ویا بطور مدعی علیه اثبات وجود نموده می تواند -

۱۵ - همه امور و معاملات شرکت از قسم خرید مال و روانگی آن و فروش مالیکه از خارج در مقابل وجهه فروش مال شرکت می آید و استخدام عمل و تنظیم حسابات شرکت و مخارج داخله و خارج آن از وظیفه مجلس اداره شرکت شمرده میشود

۱۶ - اشبای تجارتمی این شرکت باصول بسیار درست مطابق اصول مرععی در مواضع مطلوب فرستاده میشود -

۱۷ - تحصیل معلومات قیمت پوست و قالین و سنک لاجورد از داخل و خارج بذریعہ مکاتب و مقامهای تدکراتی و سنجیدن نفع و نقص معامله شرکت بدست آوردن اشبای داخله ملک و حسن انتظام و محافظت و فرستادن آن وظیفه مجلس اداره شرکت است -

۱۸ - وجه فروش اشبای مذکور از اروپا اجناس کار آمد مملکت افغانستان که در آن فائده شرکت متصور باشد خواسته میشود - تنظیم این کار نیز از وظیفه مجلس اداره میباشد

۱۹ - فروش اشبای مذکور در خارج یا بذریعہ نمایندگان تجارتمی افغانستان یا بذریعہ مامورین مخصوصه شرکت اجرا میشود -

۲۰ - آنچه اجناسیکه از فروش پوست و قالین و سنک لاجورد تجارتمی شرکت خواسته میشود بذریعہ مجلس اداره در داخل مملکت بفروش میرسد و نفع و نقص آن نیز باعضای شرکت تعلق میگیرد -

۲۱ - حساب خرید و فروش و مصارف شرکت باصول جدیده تجاریمه از طرف سر کاتب ترتیب و اجرا کرده میشود در آخر سال حسابات شرکت را تنظیم کرده خلاصه آن بکراپورت برای مراعضا در حین اجتمع عمومی اعضای شرکت داده میشود و حساب مفصل یا بچک های خرید و فروش و نوع مصارقات نیز با اداره شرکت موجود میباشد -

۲۲ - تفیش شرکت مطابق ذیل بدو قسم اجرا کرده میشود الف - تفیش امور و معاملات داخله و حسابیة شرکت باوقات مختلفه - ب - تفیش حسابی های عمومی شرکت را آخر سال برای تنظیم راپورت اگر در حین تفیش معاملات خلاف اصول تجارتمی معاینه کنند هیئت عمومی شرکت اعضای هیئت اداره را تبدیل کرده میتوانند -

فصل پنجم

(صورت تودیع تمتع)

۲۹ - بعد از وضع مصارقات شرکت و مصارقات محافظت و ادوات شرکت و معاشات مامورین و مصارقات سائرہ بملفیکه از روی تجارت اضافه می ماند تمتع شمرده میشود و صورت تقسیم تمتع مطابق ذیل میباشد -

اول - فیصد پنج از مبلغ تمتع احتیاطاً نگاه کرده در سرمایه تجارت افزوده کرده میشود -

دوم - فیصد سه برای اعضای مجلس اداره و مفتش و مامورین سائرہ بطور مکافات بنا بر قرارداد مجلس عمومی تعیین کرده میشود

سوم - مبلغ متبقی تمتع مابین حصه داران نسبت بحصه اشتراک شان تقسیم کرده میشود

۳۰ - اعضای شرکت بعد از انقطاع محاسبه سالانه فائده سالانه خود را اگر نقد خواهش کنند برای شان داده میشود و اگر فائده خود را بشترکت بیفزایند سند حصه شرکت را بشان داده میشود در آینده هم در نفع و نقص از آن وجهه حصه می روند

۳۱ - اعضای شرکت درین سال از وجه شرکت و بازا فائده آن چیزی از اداره شرکت گرفته نمیتوانند

۳۲ - اشخاصیکه آرزوی خارج نمودن خود را از شرکت داشته باشند در بین سال ممکن نیست بعد از قطع محاسبه سال جاریه در ابتدای سال بشترکت مراجعه نموده حصه خود را بخرد شرکت فروخته میتوانند -

۳۳ - اعضای شرکت هر وقت سند حصه خود را بدیگر اشخاص تبعه افغانستان فروخته میتوانند امانت و نقصان همان سال اسهام مذکور به شخصیکه نام او داخل شرکت است عائد و راجع میباشد - در سال آینده نام خریدار حصه داخل اعضای شرکت گردیده نفع و نقصان آن بخربدار جدید حصه عائد میشود -

۳۴ - بیسه احتیاطاً فقط رای مصارف فوق العاده و غیره ملحوظ است زمانیکه چنده بک سرمایه و شترکت میرسد پس از آن تقریبی بیسه احتیاط در تمتع شرکت لازم و ضرور نیست -

۳۵ - در زمان فسخ شرکت حصه احتیاط نیز در بین شرکاء نسبت بوجه شان تقسیم و توزیع کرده میشود -

فصل ششم

(فسخ شرکت بقطع معاملات آن)

۳۶ - مجلس اداره هر زمانیکه لزوم و ضرورت بینند هیئت عمومی شرکت را باجتماع دعوت کرده و برای فسخ شرکت و قطع معاملات تکلیف می نماید -

۳۷ - در زمان ضرر و زیان شرکت تا بدرجه که به نفع سرمایه برسد هیئت اداره برای دعوت عمومی مجبور است

۳۸ - در زمان فسخ شرکت و قطع معاملات از طرف هیئت عمومی شرکت برای قطع و تصفیه حسابات شرکت مامورین تصفیه تعیین کرده میشود هیئت عمومی در زمان فسخ شرکت همه حقوق و صلاحیت که درین لائحہ مشدرج است دارا میباشد - مامورین تصفیه حسابات مطابق قرارداد هیئت عمومی حسابات و اموال شرکت را مستحیبه بعد از تادیه دیونات شرکت متبقی را بین شرکاء مطابق حصص آنها تقسیم میکنند -

۳۹ - برای قرار دادن فسخ شرکت در هیئت عمومی شرکت لازم است که لافل دولت شرکاء شرکت موجود و حاضر باشند -

فصل هفتم

۴۰ - بعد از تشکیل شرکت مدت یکماه کیفیت تشکیل شرکت در کابل بچراغند علیه برای عموم نشر و اعلان کرده میشود -

۴۱ - شرکت برای عموم تبعای افغانستان بک بیان نامه نشر و اعلان کرده و در آن بیان نامه مواد اساسیه این نظامنامه شرکت را توضیح میدارد ده اسحه جهان این نظامنامه بوزارت تجارت داده میشود بشترکت هم چنین هر سال بک جدول از قسم ادخالات و اخراجات بک جدول موازنه تجارت تقدیم میدارد -

اعضای قمری شرکت تجاریمه امانیه کل محمد رئیس - میر غلام محمد الحیاتی معاون

(لائحہ شرکت تجارت میوه)

این لائحہ عیناً مطابق است لفظاً و معنیاً و لائحہ شرکت امانیه که در فوق تماماً درج شده است محض در اسم شرکت و اینکه سرمایه شرکت میوه (۳۰۰۰۰۰۰) و هر سهم صد روپیه است و از شرکت امانیه (۱۵۰۰۰۰۰) روپیه و مزایده هر سهم (۱۰۰۰) روپیه است باقی قوانین و مواد هر دو لائحہ باهم متحد است -

اعلان شرکت نمر

بدین است که انسان مدنی بالطبع است و فطرتاً در نیبه ضروریات حیات خویش محتاج به تعاون و مساعدت دیگران است و این تعاون مربوط است به تبادل محصولات سی و زحمات افراد بشر باینکه هر که تدریجاً صورت خرید و فروش و تجارت را تشکیل داده از بیعت که هیچ فردی از یک نوع معاملات تجاری نیست بتمامه حیاتیه جامعه بشریه است و تجارت موهبته و ثروت است و ثروت کامل مؤثر انواع ترقیات و تعالیات است انسان نه تنها در امور دنیویه محتاج به ثروت است بلکه کمال بیستی از شیون بقیه اومم وابسته بوجود ثروت است . قوت و شوکت دول و ملل به کثرت ثروت است ترقی معارف که اساس همه اصلاحات و تکاملات است منوط به دارائی ثروت است و منبع ثروت همان تجارت است لهذا تجارت از مهم ترین وسائل است در میدان مبارزه حیات که توجه و اهتمام افراد جامعه ما و ملل را بخود جلب نموده است حتی این همه مناقشات و محاربات دول و ملل که امروز دیده و شنیده میشود چون دقت نمود در اطراف تجارت است . و تجارت هر قدر اصولش درست و منتظم تر است منافعی بیشتر است این هم ظاهراً است که دنیا در سائر ارضع را و ترقی کرده و روز بروز پیش می رود و اصلاح میشود تجارت نیز در عالم تمدن ترقی یافته و اصول و ترتیبات جدید و مفید در توسعه و از دیاد منافع آن ایجاد گشته من جمله تبدیل تجارت افرادی به تجارت اشتراکی است که چند نفر اتفاق کرده و ثروت خود هارا یکجا نمود به اسم (شرکت) بیک تجارت بزرگی جاری می کنند و در این صورت چون که سرمایه شان زیاد می باشد می توانند که کارخانه ها قائم کنند و ماشینها را سازند یا راه آهن تمدید نمایند و به حفر معادن و سایر بزرگ اقدام ورزند که این همه امور و امثال آن بصورت تجارت افرادی از حیز امکان عادتاً خارج است خصوصاً در ممالی که دولت امالی آن ذاتاً اندک است لهذا در مملکتها بیکیه طریق تجارت افرادی است و شرکتهای تجاری وجود ندارد اهالی آن از فوائد امور معظمه حاضره محروم و از تمدن کامله و قوت و شوکت و اهمیت بی نصیب و دور اند . نمی توانند محصولات و صادرات وطن خود را به تجارت نگاهداری عمومی دیار ساخته فوائد زیاد حاصل کنند . نمیتوانند اموال و اتمه را در خارج از اصل مصدر و منبع آن به قیمت ارزان خریدند بوطن وارد نمایند و در نتیجه فقدان این اقتدار هر دو صورت منافع به کسبه اجانب افتاده اسباب قوت آنها و مو حیات ضعف و ذلت اینها می شود مثلاً در وطن هنر زمانه افغانستان که کما اینوقت شرکت های تجاری نیست سوداگرها میوه های قیمت های وطن را در گالهای تکلیف تابش و در میرسانند و به بیرون می فروشند اما در پشاور شرکتها را بطور بسیار مرغوب بهار و باره به مثال می فروشند همچنین دیگر محصولات وطن مثل پشم ، قالین و ادویه و غیره . قطع لظراف کثرت انواع منافع در تجارت اشتراکی و فقهان آن فوائد در تجارت افرادی چونکه در تجارت افرادی سرمایه اندک و اتفاق به یک آدم دارد غالباً بتأثر تصادف و موجبات خسارت که در تجارت دائماً محتماً الوقوع است ممکن است بیک ساحه غیر مترقبه تمام مال التجاره تلف و ضائع شود و ممالک آن مفلس محض ماده بفلأک و ناداری گرفتار آید . این قبیل وقایع در وطن مان بسیار بوقوع رسیده .

لظرف آنچه بالا ذکر نمودیم عده از سوداگران و وطن هنر زمانه افغانستان و بعضی دیگر خواهشمندند تجارت که دماغهای شان از انوار مدنیته باز عصاره آمیخته روشن و منور گشته و فوائد و لزوم شرکتها و اضرار تجارت افرادی را با ملک خارجه دانسته اند در سبب مساعدت اعلی حضرت قازی (امیر امان الله خان) برای تجارت . اتمار قیمتدار وطن بیک شرکتی به نام (شرکت نمر) تشکیل و دائر نمودند .

مسکلی (شرکت نمر) شهر کابل است . موضوع تجارت آن خرید و فروش میوه های وطنی است مثل کشمش ، پسته ، بادام ، انار ، انگور و غیره که از اطراف وطن خریداری نموده با اصول درست در صندوقها و قطعی ها صبر راست به ملک خارجه حمل نمایند . سرمایه ابتدائی این شرکت فعلاً سه لاک روپیه است و قیمت هر سهم آن صد روپیه .

مرکزی از تبعه افغانستان آرزوی شرکت به این شرکت داشته باشد اداره مرکزی شرکت هر چه خود را حاضر نموده بندگان شرکت را از سایرین اداره حسب اصول مقررده حاصل نماید اشخاصیکه در ولایات باشند وجه اشتراک خود را بخزانه آن ولایت تحویل نموده رسید خزانه را با اشغیس اسم و نسب و حسب خود به اداره مرکزی بفرستند از اداره سند اشتراک برای آنها ارسال و درجه شرکت محسوب میشوند .

در باب نظامات و محاسبات و توزیع منافع و سایر امور اداره شرکت لایحه جداگانه به نام (لایحه شرکت تجارت میوه) طبع شده که در اداره شرکت موجود است هر کسی زیادت تفصیلات را آرزو دارد اداره رجوع کرده لایحه مذکوره مجامعاً باور داده میشود .

اعضا

رئیس اداره شرکت نمر ، عبدالحمید - معاون رئیس : خواجه تاج الدین

در مطبعه حروفی ماشین خانه طبع گردید